

بررسی آثار و معرفی بزرگان نقاشی و هنر معاصر ایران به همراه برگزاری نمایشگاه و انتشار کتاب مجموعه آثار آنان، یکی از فعالیتهای شایسته و ضروری مراکز هنری و فرهنگی کشور است. این اقدام، بی‌شک راهگشایی و بسترسازی مناسبی است برای شناخت کم و کیف هنر نوگرای ایران و تعیین تاریخ‌نگاری تحلیلی آن، و بویژه فرازهای مهمی آن فعالیت هنرمندان دهه‌های گذشته را برای نسل امروز به نمایش می‌گذارد. زبان ناگفته‌ها به مناسبت بزرگداشت مقام و هنر استاد محمود جواد پور و انتشار مجموعه آثار ایشان توسط فرهنگستان هنر و مرکز فرهنگی هنری صبا تهیه شده است.

چهره هنرمند رنگ روغن روی بوم ۹۲×۷۲ سانتی متر

زبان ناگفته‌ها

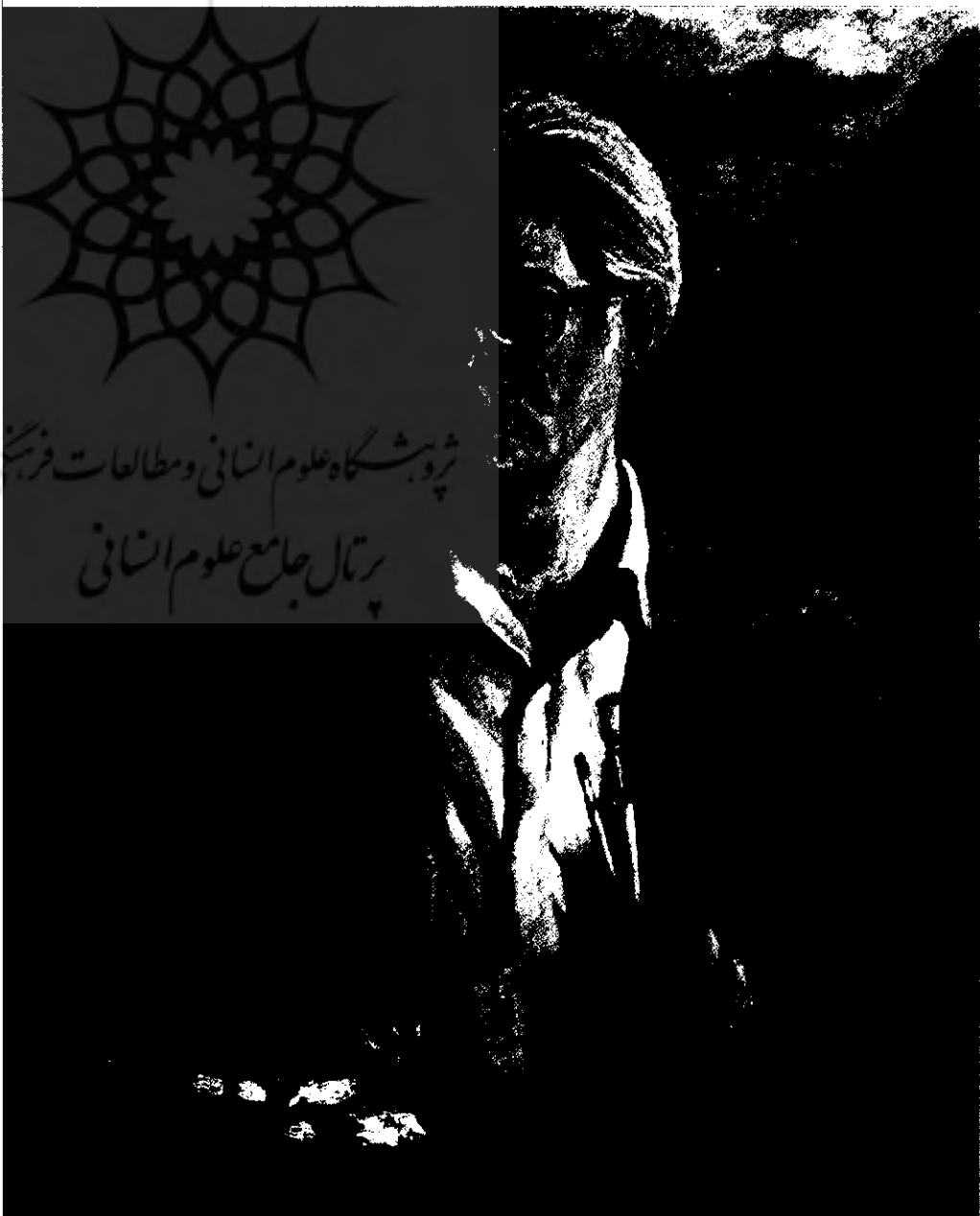
نمایشگاه آثار استاد محمود جواد پور

توسط انجمن هنرمندان ایران

استاد پور، نقاش و مجسمه‌ساز، زاده ۱۳۰۲ هجری قمری، تهران



چهره پروفسور کاسکیال کوفسکی رنگ روغن روی بوم ۲۱×۵۰ سانتی متر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



مزرعه آفتابگردان رنگ روغن روی بوم ۱۱۵×۱۱۵ سانتی متر

آثار استاد محمود جوادی پور بسیار متعدد و متنوع است. او در طول سالها فعالیت هنری برغم درگیر بودن بامسائل شغلی، چه هنگام کار در چاپخانه بانک ملی و چه در حین انجام وظایف آموزشی در دانشگاه، هیچگاه از فعالیت به عنوان یک نقاش حرفه‌ای و یک هنرمند علاقه‌مند به عرصه گرافیک باز نایستاده است. جوادی پور در طول شصت سال فعالیت هنری خود، به تمام معنی نقاشی پرکار بوده است. سالها تلاش و تجربه‌گری در زمینه‌های مختلف هنر تجسمی؛ طراحی، نقاشی، گرافیک و تصویرسازی، اگرچه دلیل اصلی

شخصی و حرفه‌ای او در بسیاری آثار دیگر امروزه بیش از آنچه اینک می‌نماید، ما را در مقابل خود مسحور می‌کرد. نباید فراموش کرد که مسیر خلاقیت هنرمند همواره در معرض مخاطرات بسیاری است که ممکن است او را از تولید اثر و فعالیت هنرمندانه باز بدارد. در خصوص جوادی پور باید به خاطر آورد که او در دورانی پای در عرصه فعالیت حرفه‌ای هنر گذاشت که زمانه مسرت هنر و فعالیت هنر تجسمی بوده است.

وقتی که جوادی پور در دانشکده تازه تأسیس هنرهای زیبا وارد شد، از یک سو میراث مکتب کمال الملک و شاگردان او بر فضای هنری کشور مسلط بود و ذوق عام و خاص را تحت تأثیر خود داشت، و از سوی دیگر تلاشی که از چند سال قبل با راه‌اندازی اداره صنایع قدیمه صورت گرفته بود، مسیری متفاوت و شاید متناقض را با دیدگاه هنرمندان تعلیم گرفته در مدرسه کمال الملک دامن می‌زد. این سالها همچنین مصادف بود با تغییرات سیاسی داخلی و جایگزینی حکومت پهلوی دوم به جای رضاخان. از طرفی نیز همزمان بود با اولین سالهای پس از دومین جنگ جهانی اگرچه کشورها به طور مستقیم در جنگ وارد نشد، اما تبعات سیاسی و اجتماعی آن دامن این سرزمین را نیز گرفت. با این توصیف، فضای فعالیت تجسمی در آن سالها نه تنها بسیار محدود و کم‌تحرک به نظر می‌رسد، بلکه نبود حمایت از فعالیت هنرمندان و نبود نگارخانه برای نمایش آثار و تناقضات موجود باعث می‌شد هنرمندان جوان و پرشور آن سالها نتوانند همه تلاش خود را برای نشان دادن هنر و آنچه در دانشکده تازه تأسیس (که براساس الگوی پارسی‌اش؛ بوزار شکل گرفته



تنوع کارهای اوست، در عین حال نشانه فعالیت مردی است که با تمام توان در زندگی حرفه‌ای خود کوشیده است. بی‌شک چنانچه جوادی پور این همه درگیر کارهای متنوع هنر تجسمی نبود که البته به دلیل نبود فعالیت حرفه‌ای هنر گرافیک در آن سالها خود یکی از وجوه زیبایی کار اوست نمود



سقف های سفالین رنگ روغن روی بوم ۴۰×۶۰ سانتی متر





چهره پدر هنرمند/رنگ روغن روی بوم/۸۲×۵۹ سانتی متر



چهره هنرمند/رنگ روغن روی بوم/۲۹×۵۷ سانتی متر

چاپخانه بانک ملی اندوخته بود، وارد فعالیتهای هنر گرافیک شد؛ طراحی تمپر، اوراق قرصه، نشان و اعلان و بویژه تصویرسازی، فعالیتهایی است که جوادی پور را علاوه بر نقاشی نوگرا، به عنوان یک پیشکسوت در عرصه گرافیک معاصر ایران معرفی کرد. و اما در خصوص آثار استاد جوادی پور به عنوان یک هنرمند نقاش، آنچه بیش از همه در کارهای او به چشم می خورد، مضامین، رنگها و حال و هوای فضا سازی نقاشی ایرانی است. اصولاً در آثار قریب به اتفاق هنرمندان هم نسل جوادی پور، یعنی اولین فارغ التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا که همچون استاد، بسیاری از آنها برای تکمیل آموخته ها و شناخت خود از هنر مدرن، چند سالی را نیز در مدارس هنری اروپایی گذراندند (مثل ضیاء پور، حمیدی، کاظمی و...) و از نزدیک با تجارب برخی پیشکسوتان هنر مدرن غرب آشنا شده و از محضر آنها بهره بردند، عموماً توجهی به سنتهای هنر ملی و بومی ایران شده است. گرایش به سمت زبان ایرانی و هویت ملی در آثار جوادی پور و هم نسلانش، نشان از هویت جویی و دل سپردگی آنها به هنر و فرهنگ ایرانی است. تقریباً هیچکدام از فارغ التحصیلان اولیه دانشکده هنرهای زیبا نه تنها یکسره هنر و سنتهای فرهنگی

بود (آموخته بودند، به کار زدن. در چنین سالها و شرایطی جوادی پور فعالیت هنری خود را به طور حرفه ای شروع کرد. او پس از فراغت از تحصیل دانشکده، در چاپخانه بانک ملی به کار مشغول شد و اولین تجارب کارهای گرافیکی را در آنجا به دست آورد. سپس از آن در سال ۱۳۲۸ «گالری آپادانا» را به اتفاق دو تن از دوستان خود، حسین کاظمی و هوشنگ آجودانی بنیان نهاد. در این کاشانه آنها با برنامه ریزی، نمایشگاههایی از آثار خود و سایر فارغ التحصیلان دانشکده همچون اسفندیاری، ضیاء پور و جواد حمیدی، راه اندازی جلسات سخنرانی و بررسی مکاتب هنر مدرن و دامن زدن به نقد هنری سعی کردند فضای متناسب با فعالیت نقاشی زگرا را در تهران بوجود آورند. سرانجام استاد پس از گذراندن دوره های تکمیلی در آکادمی هنرهای زیبای مونیخ، در سال ۱۳۳۲ به استخدام دانشکده هنرهای زیبا درآمد. از آن پس فعالیت جوادی پور به عنوان یک هنرمند و مدرس دانشکده منحصر به خلق آثار نقاشی نشد، بلکه بنا به نقشی که هنر تجسمی می تواند در عرصه فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بازی کند، به تولید آثار متنوعی پرداخت. او با تجاربی که از کار در



ایرانی را به کنار نهاده‌اند، بلکه تلاش کردند تا آنچه را از مدرنیسم آموخته بودند با هنر بومی و اصیل ایرانی عجین کرده و به هنر خود رنگ و بویی ایرانی بدهند. آنها نه مایل به ادامه مسیری بودند که از کمال‌الملک و شاگردان او به جای مانده بود و نه می‌توانستند از حقیقت هنر بومی دل برگیرند و از آنچه در هنر غرب رخ داده بود مقلدانه پیروی کنند. این مسئله در رنگ‌پردازی و استفاده از نقوش و موضوعات کار این هنرمندان بخوبی خودنمایی می‌کند؛ و در آثار جواد پور بیش از همه هم‌نسلا نش، آثار تصویرسازی استاد جواد پور، هم از نظر فضا سازی و هم از نظر به کار گرفتن رنگ و خط به طور قابل توجهی ملهم از نقاشی قدیم ایرانی است. اگرچه او در برخی از تصویرسازیها از تکنیک گراور استفاده نموده، اما بخوبی توانسته است آنها را با آنچه از هنر ایرانی به عاریت گرفته پیوند دهد. در این قسم آثار، هم توفیق استاد را در استفاده از ویژگیهای هنر بومی می‌توان دریافت و هم ظرفیتهای نقاشی قدیم ایرانی را در همراه شدن با تصویرسازی جدید، بواقع ویژگیهای نقاشی ایرانی در همراهی با فضاهای داستانی و ادبیات روایی و ترجمان آنها به زبان تصویری، همواره می‌تواند الهام بخش هنرمندان باشد. اگرچه فضا سازی ادبیات معاصر، تفاوتی عمده‌ای با ادبیات کلاسیک فارسی دارد، اما کار هنرمندان، همیشه دشوار و خلاقانه است و بی‌شک آن‌کس توفیق می‌یابد که بتواند برغم این تفاوتها، رابطه‌های هنرمندان را بیابد. آثار نقاشی جواد پور اما، سیر شکفت‌انگیزی دارد. او دوره‌های تجربی بسیاری را پشت سر گذاشته است، و مگر نه این‌که هنر نوگر، تحولات و تنوع و خلاقیت را عموماً در تجربه‌گری آموخته و نشان

داده است؟ بنابراین جوهره مشترکی که آثار نقاشی استاد را در طول شصت‌سال گذشته به یکدیگر مرتبط می‌سازد، تجربه‌گری و در عین حال تلاش برای حفظ موازیت هنر ایرانی در رنگ‌پردازی، به کارگیری نقوش و فضا سازی است. هنر استاد، هنری است که بتدریج نضج یافته و به عمق و غنای رسیده است. این پختگی بویژه در آثار مربوط به بیست و سی سال گذشته به نقاشی او شخصیتی ممتاز بخشیده است. در طی این سالها جواد پور به آرامشی شورانگیز در منظره‌پردازی و باز آفرینی فضاهای مورد نظر خود دست یافته است. منظره چشمه‌علا که ریشه در کارهای گذشته او دارد، یک منظره به تمام معنی ایرانی است، بارنگها، پیکره‌ها، درختها و آسمانش، و نوری که از سنت و زندگی نقاشی ایرانی در آن باز تابیده. ترکیب بندی ساده و ازدحام صمیمانه پیکره‌ها، گسترش نسبتاً عمودی فضا و نقش و نگارهایی که به مناسبتهای مختلف در کار آمده‌ها را به یاد منظره‌سازهای مکتب تبریز و شیراز عهد صفوی می‌اندازد. منظره‌سازیهایی دیگر استاد در این سالها همچون سقفهای سفالین، آفتاب روی تپه‌ها، کوههای خفته و جمع آوری خرمن، همین آرامش پرشور را بازنمایی کرده‌اند. در این آثار گویی استاد فراتر از زمان و مکان قرار گرفته و در آسمان و کوه و درخت و چشمه‌آب و خوشه‌های گندم و گل‌های آفتابگردان سکوتی می‌بیند که گویاتر از هر کلامی است، و این زبانی است که همچون زندگی و هنر خود استاد در طی این سالها از تابلوهایش شنیده می‌شود. دیگر آثار جواد پور در کنار این منظره‌سازیهایی، ایجاد فضاهایی است که از یک سو سرگرمیها، شیرینیها و غفلتهای زندگی روزمره را در چهره آمده‌های آشنا

و غریب، مشهور و گمنام، شهری و روستایی و... نشان می‌دهند؛ آنچنان که در بازار روستایی، و از سوی دیگر رازهای مگویی این زندگی را با تشبیهات ساده‌ای برملا می‌کنند. همچنان که در تابلوهایی که در آنها کوزه‌ها جای همه چیز را گرفته‌اند. گاهی وقتی اشیا آنقدر تکرار می‌شوند که جای همه چیز را می‌گیرند، آدمی را ترسی موهوم فرا می‌گیرد، اما کوزه‌های جواد پور نه تنها ایجاد وحشت نمی‌کنند، بلکه ما را به سؤالهای همیشگی، به پاسخهای ناتمام، به سرزمین فلاسفه شرقی و به درون فضاهای اساطیری و افسانه‌ای دعوت می‌کنند:

هر ذره که بر خاک زمینی بوده است
خورشید رخی، زهره جبینی بوده است
گرد از رخ نازنین به آرزوم فشان
کان هم رخ و زلف نازنینی بوده است
این آثار جواد پور از ما می‌خواهند که پیچیدگیها، قید و بندهای زندگی روزمره و فریبندگی دود گرفته شهرهای پراز دحام را رها کرده و با لعابهای آبی رنگ مینایی همراه شویم. در این تابلوها کوزه‌ها، لعابها، سفالها، آجرهای قرمز و طاقهای تکرار شونده ما را به جایی ورای زمان و مکان می‌برد. از خاک بر آمدن و در خاک شدن، زبان ناگفته‌هاست، اگرچه بسیار گفته شده است:

جامی است که عقل آفرین می‌زندش
صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش
این کوزه گر دهر چنین جام لطیف
می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

• تمامی اطلاعات تاریخی در خصوص تحصیل و سوابق شغلی آقای جواد پور از کتاب «پیشگامان نقاشی نوگرایی ایران» به کوشش خانم منیژه میرعمادی، نشر هنر ایران اخذ شده است.